

تبیین رابطه بی‌عدالتی فضایی و چشم‌اندازهای امنیت ملی

مصطفی قادری حاجت،* محمدرضا حافظ‌نیا** و زهرا احمدی‌پور***

نوع مقاله: علمی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۱	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲	شماره صفحه: ۷۳-۱۰۴
-----------------	--------------------------	-------------------------	--------------------

فهم عدالت فضایی در پیشبرد امور یکی از اولویت‌های مطالعاتی جغرافیای سیاسی به‌عنوان علم‌کشورداری و اداره بهینه فضا است. بی‌عدالتی فضایی به قطبی شدن فضا و انزوای برخی از شهروندان منجر شده است و مانع مشارکت اثربخش آنها در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود و همین امر فاصله‌گرفتن از جریان اصلی جامعه را در پی خواهد داشت. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی ضمن تبیین بی‌عدالتی فضایی در ایران تأثیر و پیامدهای آن را بر تحولات پیش‌رو از منظر چشم‌اندازهای امنیت داخلی مورد بررسی و کنکاش قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد بی‌عدالتی فضایی با ایجاد شکاف‌های فضایی در جامعه، امکان اقدام‌های تهدیدکننده امنیت پایدار جامعه مانند واگرایی در نواحی قومی و مرزی، تروریسم، قاچاق، بحران مواد مخدر، حاشیه‌نشینی و مهاجرت را منجر می‌شود. این امر در مرحله اول تنزل شاخصه‌های پایداری جامعه و امکان وقوع و رخداد جرم به‌عنوان یکی از عناصر مؤثر بر ترسیم وضعیت و مختصات امنیت را در مقیاس داخلی در پی خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: عدالت فضایی؛ بی‌عدالتی فضایی؛ امنیت؛ مخاطرات

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)؛ Email: m.ghaderihajat@modares.ac.ir

** استاد دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس؛ Email: hafezn_m@modares.ac.ir

*** استاد دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس؛ Email: ahmadyz@modares.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره یکصدویازدهم، پاییز ۱۴۰۱

doi: 10.22034/MR.2021.4686.4566

مقدمه

در جهان امروز، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی پدیده‌ای فراگیر و روبه‌گسترش است (Lees, 2010: 1). تجلی نابرابری‌ها را می‌توان در اشکال مختلف (راغفر، خوشدست و یزدان‌پناه، ۱۳۹۱: ۲۴۲) فردی، جمعی و مکانی-فضایی رصد و اندازه‌گیری کرد. یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های جهان کنونی که به توجه بیش‌ازپیش اندیشمندان حوزه‌های مختلف و سیاست‌گذاران نیاز است نابرابری‌های مکانی و فضایی و روند فزاینده آن است. هر جامعه‌ای خواه پیشرفته و توسعه‌یافته و خواه عقب‌مانده و توسعه‌نیافته، چشم‌اندازها و جلوه‌های کم‌وبیش مشترکی را از نابرابری در شرایط زندگی اجتماعی به نمایش می‌گذارند (طهماسبی، میرزایی و کامران، ۱۳۹۱: ۸۱). همچنین یکی از مهم‌ترین حقوق شهروندان در اندیشه اسلامی تأمین و تضمین امنیت فردی، خانوادگی و اجتماعی جامعه اسلامی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی است (رضایی و بالایی، ۱۳۹۵: ۹۷).

نظام فضایی ایران به دلیل آنارشی حاکم بر نظام برنامه‌ریزی به سمت گسیختگی گرایش دارد و تظاهر فضایی این آنارشی در الگوی نامتوازن توسعه مناطق نمایان است. الگوی حاکم بر ساختار فضایی ایران مرکز-پیرامون است. از آنجاکه کشور ایران دارای نواحی کارکردی قومی و ناحیه‌ای است، باید اذعان داشت که بی‌عدالتی فضایی در کوتاه‌مدت زمینه‌های واگرایی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را فراهم کرده و در بلندمدت همبستگی، یکپارچگی ملی و تمامیت سرزمینی را با مخاطرات جدی روبه‌رو خواهد ساخت. مخاطرات به آن دسته از خطرات بالفعل و بالقوه‌ای اطلاق می‌شود که ارزش‌های حیاتی یک کشور یا یک جمعیت انسانی را در ابعاد مختلف مانند تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی، نظام حاکم و نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، ایدئولوژی، فرهنگ و افتخارات ملی و ... را به خطر می‌اندازد. مخاطراتی که به دلیل اعمال و رفتار انسان در نتیجه سیاست‌گذاری و اجرای آن سیاست‌ها در فضای

جغرافیایی رخ می‌دهد و دربرگیرنده طیف وسیعی از مهاجرت، حاشیه‌نشینی، جنگ، افزایش جمعیت، بحران‌های سیاسی و اجتماعی، تروریسم، حفره‌های دولت، نابرابری‌های منطقه‌ای، مواد مخدر، آلودگی‌های زیست‌محیطی و... است (حافظ‌نیا و قادری حاجت، ۱۳۹۳: ۱۳۲-۱۳۱). فضای جغرافیایی ایران به‌رغم تلاش‌های زیاد به دور از عدالت فضایی و ساختار مرکز-پیرامون الگوی غالب روابط فضایی است. بی‌عدالتی فضای ناشی از عوامل ارادی و غیرارادی زمینه قطبی شدن و به‌انزوا رفتن برخی از شهروندان را فراهم می‌کند. به‌گونه‌ای که ناتوانی در مشارکت اثربخش در حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و منفصل شدن و فاصله گرفتن از جریان اصلی جامعه را در پی خواهد داشت. این امر از منظر مطالعات مخاطرات انسانی، زیان‌های زیادی را متوجه همگرایی ملی در کوتاه‌مدت و یکپارچگی سرزمینی در درازمدت خواهد کرد. نادیده گرفتن و غفلت از شناخت و عدم اهتمام به کنترل و انزوای اجتماعی زمینه‌ساز جدایی گروه‌های محروم از داشته‌های اجتماعی و دور ماندن آنها از مزایا، فرصت‌ها و قدرت است که خود قبل از هر چیز دشمن آزادی و عدالت است. در واکنش به چنین شرایطی، گروه‌های فروبرخوردار در برخورد با جریان اصلی اجتماع به‌عنوان نیروی مختل‌کننده فرایند توسعه پایدار شناخته می‌شوند و گروه‌های خشونت‌طلب و معارض نیز در پرتو چنین شرایطی رشد می‌یابند.

بر کسی پوشیده نیست که این‌انزوا موجب توالی چرخه محرومیت و خشونت ناشی از آن می‌شود. امری که بیش از هرچیز پایداری جامعه را با مخاطرات جدی روبه‌رو خواهد کرد. متأثر از این رویکرد امنیت تنها در شرایطی پایدار می‌شود که موجد و مولد عدالت (صادقی‌زاده و نبوی، ۱۳۹۷: ۱۹۱) در فضا باشد. خشونت نرم اعمالی از جانب مدیریت سیاسی فضا در حق گروه‌های فروبرخوردار و کم‌برخوردار موجب افزایش شکاف اجتماعی و گسله‌های فضایی می‌شود که پیامد قطعی آن سازمان‌دهی بازندگان و اقدام‌های خشونت‌آمیز (خشونت سخت)

در قالب ناهنجاری‌های اجتماعی و بزهکاری‌های آزاردهنده در جامعه خواهد شد. به منظور تدوین سازوکارهای مدیریت چنین شرایطی، سیاستگذاران و مدیران ارشد باید ضمن شناخت ماهیت بی‌عدالتی فضایی، فرایندهای موجد و مولد آن، پیامدهای آن و راهکارهای عملیاتی متناسب با حوزه مأموریت و کارکرد خود را بیابند.

۱. روش تحقیق

روش مورد استفاده در این مقاله توصیفی و تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اطلاعات موجود در پی تبیین ارتباط بی‌عدالتی فضایی و امنیت در درجه نخست و تأثیر آن بر چشم‌اندازهای امنیت ملی در مقیاس ملی در درجه دوم است.

۲. مباحث نظری

۲-۱. عدالت فضایی

فضا بعد اساسی و بنیادی در جامعه انسانی داشته و محصول عملکرد عوامل بسیاری است که در این بین، نهاد سیاست و کارکرد نهادهای رسمی و شاخص آن یعنی حکومت و به تبع آن دولت تأثیر بسیار زیادی در کیفیت شکل‌گیری آن از منظر عدالت فضایی دارد (قادری حاجت و آفتابی، ۱۳۹۸: ۹۵). درک ارتباط متقابل بین فضا و جامعه در فهم عدالت اجتماعی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و بازتاب دادن آن در سیاست‌ها و نظام برنامه‌ریزی به افزایش ضریب تأثیر آن کمک خواهد کرد. عدالت و بی‌عدالتی بر جنبه‌های جغرافیایی یا فضایی (بی‌عدالتی تأکید دارد و به عنوان نقطه شروع، شامل توزیع منصفانه و مساوی منابع و فرصت‌ها در فضای اجتماعی است. رویکرد عدالت فضایی، به تعیین عادلانه یا ناعادلانه بودن رویداد خاصی کمک

نمی‌کند بلکه به بررسی فرایندهای پویایی از تشکل‌های اجتماعی، فضایی، اقتصادی و سیاسی بدین منظور که آیا عملکرد آنها برای تولید و بازتولید بی‌عدالتی است یا عدالت می‌پردازد. در واقع تمرکز اصلی رویکرد عدالت فضایی بر شناسایی و تبیین عوامل و فرایندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارد که بی‌عدالتی‌های فضایی به‌منزله فرم‌نهایی آن تلقی می‌شود.

جاذبه برای ایجاد یک جامعه عادل به‌طور نیرومندی محل تجمع مجدد طیف گسترده‌ای از جنبش‌های عدالت اجتماعی چون، عدالت اقتصادی، نژادی، محیطی، جهانی و... شده که بایکدیگر عدالت را هم در بعد مادی (سیاست‌های بازتوزیعی) (و هم در بعد غیرمادی) (آزادی، خرسندی، رضایت، فرصت، امنیت و...) طرح می‌کنند. در جغرافیای سیاسی مفهومی عدالت از سطح انتزاعی خارج شده و به‌عینیت می‌رسد، به‌عبارت دیگر مفهوم عدالت عملیاتی می‌شود (قادری حاجت و حافظ‌نیا، ۱۳۹۷: ۲۸-۲۵). از این منظر عدالت فضایی یا جغرافیایی عبارت است از توازن نسبی شاخص‌های جامع توسعه (اقتصادی-زیربنایی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی) در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی (خرد و کلان) یک کشور با شاخص‌های متناظر توسعه با آن در سطح ملی (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۴) براساس نیاز و برابری.

۲-۲. بی‌عدالتی فضایی

منظور از بی‌عدالتی فضایی توزیع نابرابر فرصت‌ها، امکانات و قدرت در فضا است (قادری حاجت و حافظ‌نیا، ۱۳۹۷: ۲۹). نابرابری‌های فضایی می‌تواند در بین شهر و روستا، شهرهای کوچک و بزرگ، مناطق محروم و برخوردار و... باشد. نابرابری فضایی موجب می‌شود تا از فضا استفاده بهینه به‌عمل نیاید، عدم استفاده بهینه از فضا زمینه‌ساز تراکم فقر و تشدید محرومیت برخی از مناطق و تضعیف انسجام ملی و جامعه می‌شود، تخصیص بهینه و داوطلبانه نیروی انسانی به‌ویژه نیروی انسانی متخصص را در مناطق ناممکن می‌سازد، زمینه‌ساز مهاجرت‌های بی‌رویه

شده و توزیع بهینه جمعیت را در فضا از بین می‌برد. به‌طور کلی نابرابری فضایی امکان بروز فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی مهاجرت و بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد. همچنین به اساس وحدت ملی آسیب می‌رساند و پیشرفت عمومی را با وقفه روبه‌رو می‌سازد.

مبنای اصلی نابرابری‌های فضایی، سیاستگذاری و تصمیم‌گیری‌های تصمیم‌سازان ملی و محلی است، به‌گونه‌ای که تقسیم کار فضایی موجب انباشت سرمایه در برخی مناطق مستعد می‌شود و نابرابری‌ها پدید می‌آید و فزونی می‌گیرد.

از این‌رو امروزه از دیدگاه عدالت فضایی، توسعه دیگر به معنای رشد تلقی نمی‌شود، بلکه به معنای وجود امکانات و توزیع عادلانه است، شناخت نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها در چارچوب محدوده‌های جغرافیایی مختلف قابل طرح است.

۳-۲. امنیت

واژه «امنیت» در کاربرد عام به معنای رهایی از مخاطرات مختلف است. فرهنگ آکسفورد این واژه را با عبارت زیر تعریف کرده است: «شرایطی که در آن یک موجود در معرض خطر نبوده یا از خطر محافظت می‌شود» (کینگ، موری و بحرانی، ۱۳۸۳: ۷۸۷). تعاریف مندرج در فرهنگ لغات درباره مفهوم کلی امنیت، روی «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» تأکید دارند که ناظر بر امنیت مادی و روانی است (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۶). تأمین امنیت در ابعاد مختلف باعث رشد و شکوفایی فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی می‌شود (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۷).

در قرآن کریم نیز مکان مطلوب برای بندگان صالح خدا را مکانی آباد و امن می‌داند و در واقع نعمت امنیت و آرامش را در رأس نعمت‌ها و زمینه توسعه در رزق و اقتصاد جامعه می‌داند (نحل: ۱۱۲).

۱. وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ.

مفهوم امنیت در اسلام حوزه وسیعی را دربرمی‌گیرد که شامل سطوح مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، داخلی و خارجی می‌شود که هر سطح با سطوح دیگر دارای ارتباطات متقابل است (اسماعیلی و خواجه سروی، ۱۳۹۶: ۱۰۱).

امنیت از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نیازهای انسان است و در بسیاری از نظریه‌ها، از جمله نظریه‌های فروم،^۱ آلپورت،^۲ هورنی،^۳ مازلو،^۴ لینگ،^۵ لوچیانی،^۶ ولفرز،^۷ بوزان،^۸ ماندل^۹ و... به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نیازهای انسان شناخته شده است (دلاور و احمدوند، ۱۳۸۷: ۴۹). مفهوم امنیت قدمتی طولانی‌تر از مفهوم «اجتماعی» و «جامعه» دارد اما نخستین مباحث فلسفی و سیاسی را در آثار ارسطو و افلاطون می‌توان یافت. ارسطو به تقریب و افلاطون به تأکید، «عدالت» را بنیادی‌ترین وسیله و ابزار حکومتی جهت نیل به امنیت معرفی کرده‌اند. به عبارت دیگر، از دید این دو، امنیت از اهداف حکومت است و علت وجودی یک حکومت، برقراری امنیت است. چند قرن بعد، نظریه‌پردازان عصر روشنگری، از جمله «هابز»،^{۱۰} «لاک»،^{۱۱} «روسو»^{۱۲} و «منتسکیو»^{۱۳} منزلتی رفیع‌تر برای امنیت قائل شدند. مفهوم امنیت به تدریج و با توسعه بیشتر، تحول یافته و دارای ابعاد تازه‌ای شده است به‌گونه‌ای که امروز امنیت را در

-
1. Erich Fromm
 2. Gordon Willard Allport
 3. Karen Horney
 4. Abraham (Harold) Maslow
 5. Ronald David Laing
 6. Luciani
 7. Arnold Wolfers
 8. Barry Gordon Buzan
 9. Robert Alexander Mundell
 10. Hobbes
 11. Locke
 12. Rousseau
 13. Montesquieu

توسعه و نه اسلحه و وجه سخت تر آن سراغ می گیرند؛ یعنی باید به جای تأکید انحصاری بر امنیت داخلی به تأکید بیشتر به امنیت مردم و به جای امنیت نظامی به امنیت در ادامه توسعه انسانی پرداخت (کارگر، ۱۳۸۳: ۴۱-۳۴).

امنیت یکی از مهم ترین نیازهای بشری است، چنانکه در طبقه بندی نیازهای مازلو^۱ در درجه دوم اهمیت پس از نیازهای فیزیولوژیک قرار گرفته است (حسینی غیاثوند و کربلایی ذبیحی، ۱۳۹۵: ۱۳۹). امنیت از ریشه امن است که در مقابل بیم، هراس و ناامنی استفاده می شود و یکی از نیازهای فطری بشر بوده و با جوهر هستی انسان پیوند ناگسستنی دارد. امنیت، کلیه زمینه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را در بر می گیرد. فقدان یا اختلال در امنیت پیامدها و بازتاب های نگران کننده و خطرناکی به دنبال دارد. براساس نظریه مازلو، امنیت نیاز روانی است که در صورت ارضا نشدن آن، روان آدمی، آزرده می شود (سلیمی سبحان، ۱۳۹۳: ۱۰۵-۱۰۳). از نظر گیدنز، امنیت را می توان موقعیتی خواند که در آن با یک رشته خطرهای خاص مقابله، یا به حداقل رسانده می شود. امنیت چه به معنای بالفعل و چه تجربی آن ممکن است به مجموعه ای از آدم ها تا مرز امنیت جهانی، یا به افراد، ارتباط داشته باشد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۴). به این ترتیب، گیدنز مصونیت در برابر خطرها را امنیت تعریف کرده است (نویدنیا، ۱۳۸۸: ۳۳).

امنیت یعنی رهایی از تهدیدهای زیان بخش. برخی در تعریف امنیت بر مفاهیمی چون توسعه، رفاه، عدالت و صلح پایدار اشاره کرده اند (Andrew, 1986: 253). به طور کلی امنیت را می توان از نظر اجتماعی و فرهنگی، وضعیتی آرام تلقی کرد که انسان در نهایت ایمنی نسبت به جان، مال، ناموس، حیثیت، هویت، ارتباطات، تفکرات، ارزش ها و ... خود، چه در زمان حال و چه در آینده اطمینان داشته و شبانه روز را با تحمل حداقل ریسک ممکن سپری سازد (صالحی

1. Maslow

امیری و افشاری نادری، ۱۳۹۰: ۵۱). در یک تعریف نهایی امنیت را می‌توان توانایی و انسجام نهادی و شخصی جامعه برای مقابله با تهدیدهای درونی و بیرونی دانست (خوشفر، ۱۳۸۰: ۱۵۱).

۲-۴. امنیت انسانی و توسعه پایدار

امنیت انسانی را می‌توان دکترینی قلمداد کرد که متعاقب طرح ایده توسعه که خود در زمره نسل سوم حقوق بشر جای دارد و فرایندی برای تحقق کامل آن محسوب می‌شود، برای حمایت از حقوق بنیادین بشر و آزادی‌های اساسی تدوین شده و با اتکا بر آموزه‌های مکتب حقوق طبیعی، مبانی خود را در «حق صیانت ذات» و اصول «حیثیت و منزلت انسانی»، «آزادی»، «برابری» و «برادری» جستجو می‌کند (شریفی طرازکوهی و مصطفی‌لو، ۱۳۹۵: ۱۰۵). امنیت اساس توسعه پایدار است به‌گونه‌ای که شکوفایی همه بخش‌های اقتصادی، محیطی و اجتماعی هر مکان وابسته به میزان پایداری امنیت در فضای جغرافیایی مربوط است (احمد یوسفی، پایدار و میرزایی، ۱۳۹۳: ۱۲۶). امروزه به امنیت با رویکرد اقتصادی انسانی نگاه می‌شود تا حدی که بعد اقتصادی امنیت ملی جای بعد نظامی امنیت ملی را گرفته است (ماندل، ۱۳۸۷: ۵۷).

بین امنیت، فقر و رفتار انسان ارتباط وجود دارد. کیفیت تعاملات اجتماعی و رفتار انسان در مکان، وابسته به محیط زندگی فقر است (Chakravarti, 2006: 365). افرادی که بتوانند امکان تغییر در محیط زندگی و در نتیجه خروج از چرخه فقر پیدا کنند به جای نابهنجاری و بی‌ثباتی به آرامش اجتماع کمک می‌کنند. البته برنامه‌های توسعه‌ای برای فقرا زمانی مؤثر واقع می‌شود که در آن امکان ارائه ظرفیت فقرا محقق شود. برنامه‌های توسعه در هر زمینه‌ای که باشد فقرا توانایی قدرت تعامل با سازمان‌ها و جامعه دولتی را به دست آورده و همین امر تغییر در فرایند تصمیم‌گیری آنها را به دنبال دارد (Appadurai, 2004: 59-84).

در رویکردهای جدید توسعه نیز به جای تأکید صرف بر شاخص‌های رشد اقتصادی، بر کشف

و تدارک ظرفیت‌های مناسب به منظور بهبود نقش‌آفرینی گروه‌های مختلف مردم تأکید می‌شود (یعقوبی، رنجور و خشنودی، ۱۳۹۲: ۵۶۰). آخرین دیدگاه نسبت به فقر تحت عنوان محدودیت فرصت‌ها مطرح شده است که در نتیجه بی‌ثباتی و ناامنی، عدم توجه مسئولان، عدم سرمایه‌گذاری و ... شکل می‌گیرد (محمدی یگانه، چراغی و یزدانی، ۱۳۹۳: ۸۷). از آنجاکه امنیت انسانی با رویکردی مردم‌محوری و با نظر داشت شأن انسان‌ها (شریفی طرازکوهی و مصطفی‌لو، ۱۳۹۵: ۱۱۴) پیامد ادراک فهم پویا و پیش‌رونده مفاهیم جهان‌شمول است و وجوه مختلف زندگی ابنای بشر را مورد توجه قرار می‌دهد، لاجرم بیانگر برقراری و تثبیت امنیت برای مردم از طریق جلب مشارکت آنهاست.

۳. یافته‌ها

۳-۱. بی‌عدالتی فضایی و امنیت ملی

امنیت ملی، از اساسی‌ترین مفاهیمی است که بر حیات سیاسی هر ملت تأثیر می‌گذارد و حفظ آن، فلسفه وجودی دولت است (قلانی، جهانبخش و محمدی، ۱۳۹۷: ۱۱۳). بی‌تعدالی در منطقه آثار و عواقب زیان‌بار فراوانی برای کشورها به دنبال دارد. افزایش فرایند تمرکزگرایی، افزایش بسترهای نارضایتی‌های اقتصادی-اجتماعی، ادامه روند مهاجرت و حاشیه‌نشینی، افزایش فرایند واگرایی و مرکزگرایی در مناطق مختلف، افزایش احساس تبعیض و فاصله طبقاتی، گسستگی پیوند ارگانیک بین بخش‌های مختلف اقتصادی و مناطق مختلف کشور، افزایش تخریب محیط زیست و فشارهای اکولوژیکی به ویژه در اثر رشد بی‌رویه شهرهای بزرگ، عدم بهبود در وضع اشتغال و ادامه روند بیکاری، توزیع نامتوازن جمعیت و تخلیه برخی از بخش‌های کشور و غیره از عواقب حاکمیت الگوی مرکز-پیرامون در کشورها و نتیجه حاکمیت سیاست‌های عدالت‌ستیزانه است. رابطه سیاست‌های عدالت‌گریز و گسست فضایی را می‌توان

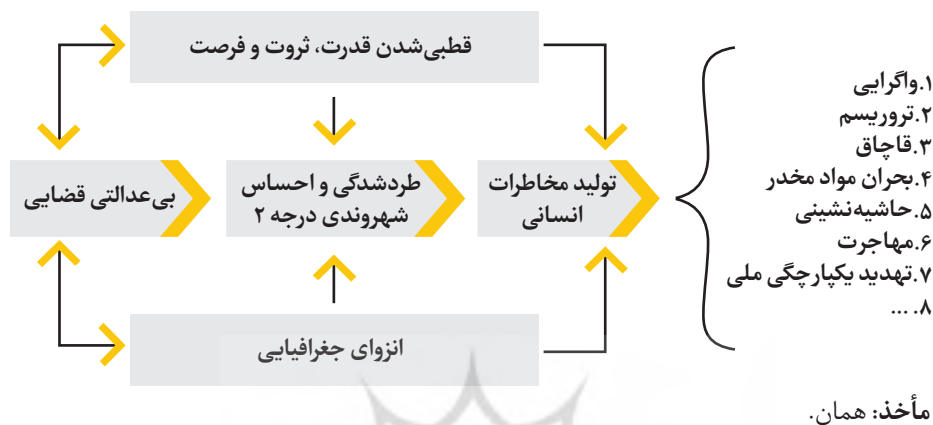
در قالب شکل ۱ به نمایش گذاشت.

شکل ۱. اثرات فضایی سیاست‌های عدالت‌گريزانه



اگر نابرابری فضایی میان نواحی با اصول اساسی عدالت فضایی کاسته شود احساس طردشدگی و محرومیت کاهش یافته و از پیدایش و بروز نیروهای واگرا و تنش‌زا جلوگیری به عمل خواهد آمد. پس با توجه به جایگاه عدالت فضایی در همبستگی ملی و افزایش عزت و اقتدار ملی، لزوم حرکت در راستای برقراری آن از مهم‌ترین مسائل پیش روی سیاست‌گذاران است. برای دستیابی به امنیت، در جامعه پیش شرط‌هایی وجود دارد که یکی از (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴) مهم‌ترین آنها، وجود عدالت فضایی در کشور است. در واقع برای برخورد با ناامنی‌ها و افزایش ضریب مصونیت جوامع باید در راستای دستیابی به برابری در فرصت، قدرت و ثروت چاره‌اندیشی شود. رابطه بی‌عدالتی فضایی و تولید مخاطرات انسانی و ایجاد ناامنی در جوامع را می‌توان در شکل ۲ به نمایش گذاشت.

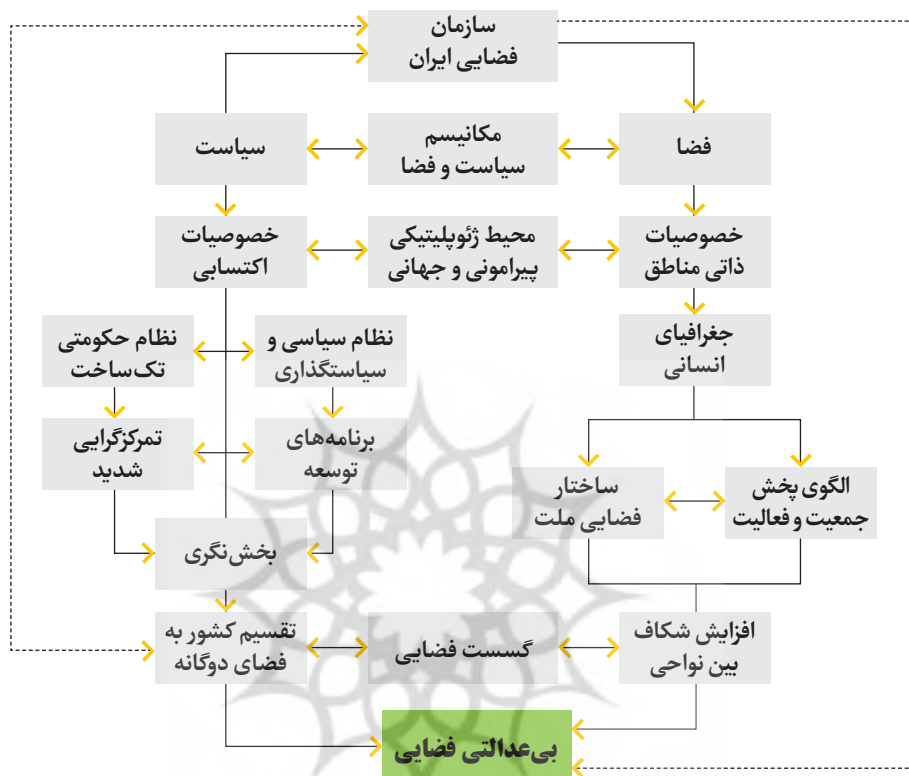
شکل ۲. رابطه بی‌عدالتی فضایی و تولید مخاطرات انسانی



۲-۳. بی‌عدالتی فضا

بی‌عدالتی فضایی حاکم بر ایران از عوامل کلی مانند خصوصیات ذاتی مناطق (جغرافیای طبیعی، توزیع طبیعی و ذاتی بنیان‌های زیستی)، جغرافیای انسانی (ساختار فضایی-جغرافیایی ملت و الگوی پخش جمعیت و فعالیت)، خصوصیات اکتسابی مناطق (نظام سیاسی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه ملی، تمرکزگرایی سیستمی و برنامه‌های توسعه) و محیط ژئوپلیتیکی پیرامونی و جهانی نشئت می‌گیرد. بنیادهای بی‌عدالتی فضایی (خصوصیات ذاتی مناطق، خصوصیات اکتسابی مناطق و جغرافیای انسانی ویژه در ایران) در یک فرایند تاریخی تضعیف نظام برنامه‌ریزی کشور را در پی داشته است. تضعیف نظام برنامه‌ریزی ناشی از دو پیش‌رانه عمده است: نخست ضعف نظری نظام برنامه‌ریزی کشور و دوم ضعف عملی نظام برنامه‌ریزی کشور، در پرتو سازوکار مزبور و عوامل زمینه‌ساز و تسهیل‌گر؛ ساختار فضایی کشور قطبی شده و این قطبی شدن در قالب الگوی مرکز-پیرامون در سطوح مختلف از سطح دهستان تا کشور دیده می‌شود. پیامد چنین سازوکاری نابرابری‌های نهادینه شده در جریان ثروت، مزایا، فرصت و قدرت در فضا است. این امر را در قالب شکل ۳ می‌توان به نمایش گذاشت.

شکل ۳. بی‌عدالتی فضایی در ایران



مأخذ: قادری حاجت و حافظ‌نیا، ۱۳۹۷: ۴۸.

گفتنی است متأثر از جغرافیای طبیعی، توزیع طبیعی و ذاتی بنیان‌های زیستی نامتوازن؛ محیط ژئوپلیتیکی پیرامونی و جهانی؛ ساختار فضایی-جغرافیای ملت؛ الگوی پخش جمعیت و فعالیت مناطق مرزی ایران نیز به مانند سایر کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته با ساختارهای مرکز-پیرامونی داخلی مواجهه است. به‌گونه‌ای که مناطق محدودی بیشترین تراکم امکانات، سرمایه و تسهیلات را به خود اختصاص داده و در نتیجه مناطق مختلف کشور از سطح توسعه یکسانی برخوردار نیستند و حاشیه‌های توسعه‌نیافته، هسته مرکزی توسعه‌یافته را احاطه کرده است. امنیت و توسعه، مفاهیمی به هم پیوسته و لازم و ملزوم یکدیگرند به‌طوری‌که

دستیابی به توسعه بدون برخورداری از امنیت ناممکن بوده و توسعه نیز در برقراری امنیت نقش بسزایی دارد و این پیوستگی در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی مصداق پیدا می‌کند (قادری حاجت و حافظ‌نیا، ۱۳۹۷: ۴۶).

۳-۳. بی‌عدالتی فضایی و مخاطرات امنیتی

گودرزی و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر نابرابری‌های منطقه‌ای بر امنیت عینی استان‌های کشور» به نتایج جالب توجهی دست پیدا کرده‌اند که در چارچوب مباحث بی‌عدالتی فضایی قابلیت تحلیل دارد و در ادامه بدان پرداخته می‌شود. یافته‌های تحقیق یادشده نشان می‌دهد که به لحاظ شاخص امنیت عینی بین استان‌های کشور، استان تهران بالاترین میزان امنیت و استان خوزستان کمترین میزان امنیت را دارد. به لحاظ نابرابری استان البرز بیشترین نابرابری و استان کهگیلویه و بویراحمد کمترین نابرابری با توجه به جمعیت در بین ۳۱ استان کشور را دارند (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱). در ادامه و در قالب جدول ۱ وضعیت بی‌عدالتی فضایی و امنیت استان‌های کشور ارائه می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱. تطبیق رتبه‌بندی استان‌های کشور از نظر عدالت فضایی، نابرابری و امنیت

رتبه امنیت اقتصادی	رتبه امنیت فرهنگی	رتبه امنیت اجتماعی	رتبه نابرابری	رتبه امنیت	رتبه عدالت فضایی	رتبه استان
۱۴	۵	۲۵	۷	۹	۱۳	آذربایجان شرقی
۸	۲۹	۳۱	۴	۳۰	۲۷	آذربایجان غربی
۲۱	۱۲	۱۱	۸	۱۴	۸	اردبیل
۱۷	۱۵	۲۹	۱۶	۱۲	۴	اصفهان
۲	۳۱	۲۶	۱	۲۷	۳۱	البرز
۲۹	۱	۲	۲۵	۳	۲۴	ایلام
۱۲	۱۳	۵	۲۶	۷	۵	بوشهر
۱	۱۰	۱۲	۲۷	۱	۲	تهران
۱۹	۱۱	۷	۲۲	۱۱	۲۸	چهارمحال و بختیاری
۲۲	۳	۱	۲۸	۲	۲۹	خراسان جنوبی
۲۵	۲۵	۲۳	۱۳	۲۶	۱۲	خراسان رضوی
۲۳	۱۷	۹	۲۰	۲۰	۱۹	خراسان شمالی
۲۴	۲۷	۳۰	۱۹	۳۱	۱۴	خوزستان
۶	۱۴	۲۴	۱۴	۱۵	۹	زنجان
۲۸	۱۹	۳	۲۹	۶	۳	سمنان
۱۶	۲۸	۱۳	۲	۲۴	۳۰	سیستان و بلوچستان
۵	۹	۲۲	۲۴	۸	۱۶	فارس
۱۱	۲۲	۸	۶	۱۷	۶	قزوین
۷	۸	۲۰	۱۷	۵	۱	قم
۲۰	۱۶	۱۹	۱۰	۱۹	۲۵	کردستان
۴	۴	۱۷	۱۱	۱۳	۱۱	کرمان
۲۶	۲۰	۲۷	۵	۲۹	۲۶	کرمانشاه
۳۱	۲	۴	۳۱	۱۰	۲۱	کهگیلویه و بویراحمد
۹	۲۳	۲۱	۱۲	۲۳	۲۲	گلستان
۱۵	۲۴	۱۰	۱۸	۲۲	۱۷	گیلان
۳۰	۱۸	۱۸	۲۱	۲۸	۲۰	لرستان
۱۰	۲۶	۱۵	۱۵	۱۸	۱۵	مازندران
۲۷	۷	۲۸	۲۳	۲۱	۱۰	مرکزی
۱۳	۳	۴	۳	۲۵	۲۴	هرمزگان
۳	۲۱	۱۶	۹	۱۶	۱۸	همدان
۱۸	۶	۶	۳۰	۴	۷	یزد

مآخذ: حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴؛ گودرزی و همکاران، ۱۳۹۵.

یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد به ترتیب ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نابرابری منطقه‌ای متأثر از روند کلی بی‌عدالتی فضایی کشور بیشترین تأثیر را بر رتبه و شاخص امنیت عینی استان‌ها داشته‌اند (همان: ۲۲) و با حاکمیت نابرابری در فضا و به تبع آن در جوامع به دلیل توزیع ناعادلانه سه‌گانه ارزش‌ساز (قدرت، فرصت و ثروت)، توزیعی نامتوازن دارد. ماهیت انسانی فضا به دلیل جاری و ساری بودن روحیات انسانی در آن اگرچه تا حدودی توان کنار آمدن با فقر و محدودیت را نشان می‌دهد، اما در خصوص بی‌عدالتی و نابرابری عکس چنین شرایطی رخ می‌دهد. تبعیض و نابرابری موجد ناامنی و مولد مخاطراتی است که در ادامه در قالب بازتاب‌های فضایی بی‌عدالتی که تعیین‌کننده محیط عملیاتی نیروهای امنیتی به طور عام و نیروی انتظامی به طور خاص است، بدان پرداخته می‌شود.

۳-۴. بازتاب‌های بی‌عدالتی فضایی

بازتاب‌های بی‌عدالتی فضایی مسائل اجتماعی-سیاسی و فرهنگی ثبات و آرامش فضا و شهروندان را به مخاطره انداخته و به شکل حاد آن موجب بروز تهدیدهایی می‌شود که مشروعیت نظام سیاسی را به چالش می‌کشد. مسائلی مانند واگرایی، منازعات مسلحانه، مواد مخدر، تروریسم، قاچاق و حاشیه‌نشینی از عمده‌ترین بازتاب‌های بی‌عدالتی فضایی است که کشور ایران را در مقیاس ملی درگیر خود کرده یا خواهد کرد.

۳-۴-۱. واگرایی

ایران کشوری متنوع از نظر قومی است. ویژگی‌های متمایزکننده اقوام از یکدیگر در ایران بیشتر بر مؤلفه‌های زبانی و مذهبی متمرکز می‌شود. سکونت قومیت‌های ایرانی عمدتاً در مناطق مرزی و هم‌جوار با کشور هم‌زبان خود، زمینه مناسبی را برای وقوع بحران‌های قومی و متأثر

ساختن امنیت ملی کشور فراهم می‌آورد (عزیزی و آذرکمند، ۱۳۹۰: ۹۵). از آنجاکه نیروهای همگرا و واگرا در تعیین چگونگی و کیفیت انسجام ملی، در جوامع چندقومیتی نقش عمده‌ای دارند، مطالعه آنها از اهمیت خاصی برخوردار است. علل بروز و انگیزه‌های احساسات و اقدام‌های واگرایانه و همگرایانه در جوامع چندقومیتی، ریشه و منشأ داخلی دارند. اما بنا به شکل‌گیری دیدگاه‌های متعدد ژئوپلیتیک از جانب کشورهای رقیب، پتانسیل مبدل کردن اقوام معترض و واگرا به یک کد ژئوپلیتیکی را داراست (اعظمی و حیدری، ۱۳۹۴: ۷۱). واگرایی، درست نقطه مقابل همگرایی است. از بین رفتن وحدت سازمانی و تمامیت و همبستگی یک شخص یا گروه یا سازمان را واگرایی گویند (آقابخشی و افشارراد، ۱۳۷۹: ۱۶۱). در ریشه‌یابی واگرایی و پیدایش روحیه ناحیه‌گرایی در ایران، نباید از نتایج اقدام‌های دولت مدرن غفلت کرد. ظهور تمرکزگرایی مدرن و پیگیری مقوله ملت‌سازی و یکپارچگی سرزمینی در قالب رسمیت یافتن زبان فارسی و مذهب تشیع، تأکید بر اسطوره‌ها و تاریخ باستان، تخت قاپو کردن عشایر کوچ‌رو، نابودی ساختار نظام اجتماعی ایلیاتی، گسترش ابزارهای ارتباطاتی، مناسبات میان حکومت، قبایل و نواحی فرهنگی را خصمانه کرد. پایداری گروه‌های قبیله‌ای در برابر اهداف حکومت مبارزه برای بقا بوده بعدها این مقاومت تحت تأثیر عوامل برون‌مرزی چه از طریق الهام از اندیشه‌ها و چه از طریق سیاست‌های سلطه‌جویانه، شکل قومی به خود گرفت (احمدی، ۱۳۷۹: ۵۱).

اقتدارگرایی دولت مدرن مانع مشارکت نخبگان سنتی و تحصیل‌کرده جدید در امور سیاسی کشور شد و زمینه را برای سیاسی شدن اختلاف‌های زبانی و مذهبی و تبدیل آن به ابزاری مناسب برای قدرافراشتن در برابر دولت اقتدارگرایی متمرکز مدرن فراهم ساخت (همان: ۳۷۷). روابط متقابل و پیچیده میان سه عامل دولت مدرن، نخبگان و نیروهای بین‌المللی در جوامع چندمذهبی و چندزبانی به سیاسی شدن علایق کهن و ظهور حرکت‌های خودمختارگرایانه و جدایی‌طلبانه منجر می‌شود. به هر میزان این سه عامل در جامعه بیشتر باشد گرایش‌ها و

تمایلات خودمختارگرایانه و جدایی خواهانه قوی تر خواهد بود. توسعه نامتوازن، هویت های قومی را متأثر ساخته یا آنها را به هویت های ملی و قومی مدرن تبدیل می کند (کاویانی راد، ۱۳۸۶: ۹۵). با توجه به پراکنش عمده نواحی قومی و گسترش دامنه های فضایی به کشورهای پیرامون، بی عدالتی فضایی در کشور ایران در صورت عدم واکنش مناسب سیستم سیاسی می تواند به یکی از پیشران های واگرایی و تبعات آن برای فضای ملی باشد.

۲-۴-۳. مواد مخدر

موقعیت جغرافیایی ایران در کنار بزرگ ترین کانون کشت خشخاش و تولید مرفین و هروئین در جهان، در منطقه موسوم به هلال طلایی (افغانستان و پاکستان)، تک جداره بودن، کوتاهی مسیر و وجود فضاهای خالی نیز بخشی از امتیازات مسیر ایران است. بنابراین کشور ایران به شدت تحت تأثیر ژئوپلیتیک مواد مخدر و ناامنی های ناشی از آن قرار دارد. علاوه بر این، استفاده ابزاری قدرت های جهانی از مواد مخدر علیه کشورهای مخالف با هدف تضعیف و جلوگیری از رشد و توسعه آنها، صورت دیگری از تأثیر قدرت زایی مواد مخدر در حوزه سیاست است. قاچاقچیان مواد مخدر برای رسیدن به سود و قدرت بیشتر، فعالیت شان را در قالب شبکه های بزرگ تر و در سطح وسیع دنبال می کنند. در چنین شرایطی است که اهداف قاچاقچیان از مسئله مالی فراتر رفته و وارد حوزه قدرت و سیاست شده و بعضاً در مقام ایجاد مزاحمت علیه حاکمیت برمی آیند (محمدی و غنجی، ۱۳۸۵: ۱۱۴). برخی از شرایط ناشی از ترانزیت مواد مخدر در شکل گیری و تقویت اشراک و گروهک های تروریستی مؤثر بوده اند این عوامل عبارتند از:

۱. عبور کاروان های مسلح ترانزیت مواد مخدر از مناطق مرزی و ایجاد درگیری با مرزبانان و نیروی انتظامی، ضمن وارد آوردن خسارت جانی و مالی بسیار، ناامنی را در برخی

مناطق باعث شده است.

۲. گردش مالی تولید، توزیع و انتقال مواد مخدر بعد از اسلحه بیشترین رقم را در جهان به خود اختصاص داده است و سودی در حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد دلار سالیانه حاصل این تجارت مرگ است. اشرار و تروریست‌ها از عواید مالی ترانزیت و فروش مواد مخدر بهره فراوان می‌برند؛ نیروی جدید به خدمت می‌گیرند و اسلحه خریداری می‌کنند. به همین دلیل است که اشرار و قاچاقچیان مواد مخدر از تجهیزات و امکانات فوق‌مدرنی برخوردارند و توان به چالش کشیدن نظم و انضباط جامعه را دارند.

۳. نبود فرصت‌های شغلی، بستر مناسبی را برای روی آوردن افراد به قاچاق مواد مخدر فراهم کرده است. این امر موجب افزایش شمار معتادان و در نتیجه افزایش بزهکاری و ناامنی در سطح کشور می‌شود. شمار بالای زندانیان مواد مخدر و مجرمان مرتبط با پدیده مواد مخدر به خوبی بیانگر اثرگذاری آن بر نظم و امنیت اجتماع است.

۳-۴-۳. تروریسم

مرکز بین‌المللی مبارزه با تروریسم، فقر مالی و فرهنگی شامل درآمد کم، تحصیلات پایین، تجرد و اشتغال ناپایدار را مهم‌ترین ویژگی‌های تروریست‌های خارجی فعال در خاورمیانه اعلام کرد (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۸). جای هیچ تردیدی نیست که میان خشونت و عقب‌افتادگی اقتصادی رابطه تنگاتنگی وجود دارد. فقر به‌عنوان یکی از خروجی‌های بی‌عدالتی فضایی و قطبی شدن ثروت در جوامع، آفت نظام‌های سیاسی و یکی از موانع اصلی پیشرفت است. البته محرومیت که زمینه‌ساز فعالیت‌های خشونت‌آمیز است تنها جنبه اقتصادی ندارد و سایر بخش‌های سیاسی، فرهنگی، شهروندی و غیره را نیز در برمی‌گیرد.

در اکثر کشورهای اسلامی از خاورمیانه تا شرق و جنوب آسیا و شماری از کشورهای

آفریقایی، فقر یکی از ابزار جلب و جذب سازمان‌های تروریستی برای کشاندن جوانان بیکار، بی‌بضاعت و محروم است. از طرفی سازمان‌های تروریستی با شعار مبارزه علیه بی‌عدالتی، نابرابری و ... با تحریک جوانان به جذب نیرو می‌پردازند. مطالعه حوادث تروریستی سراسر جهان نشان می‌دهد که عامل فقر و محرومیت ناشی از بی‌عدالتی و ادراک طردشدگی. با توجه به موقعیت جغرافیایی، نوع نظام، مناسبات نژادی و زبانی و نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی. در جلب و جذب افراد به جریان‌های بنیادگرا و افراطی می‌تواند متفاوت باشد. با توجه به تهدیدهای ناشی از تحركات تروریستی به ویژه در مناطق حاشیه‌ای و پیرامونی شناخت و درک درست زمینه‌های شکل‌گیری پدیده یادشده می‌تواند در مدیریت و مصونیت حداکثری جامعه مورد توجه واقع شود.

۴-۳-۴. قاچاق

یکی از پدیده‌هایی که به عنوان معضل اقتصادی و اجتماعی و حتی امنیتی امروزه در جوامع مختلف مطرح است پدیده قاچاق است. قاچاق معمولاً از طریق مبادی ورودی مرزها و شهرهای مرزی انجام می‌شود که از موقعیت ژئوپلیتیکی خاصی برخوردارند. شرایط جغرافیایی مناطق مرزی یکی از مهم‌ترین عواملی است که باعث گسترش و توسعه قاچاق انسان، کالا و ... شده است. وجود محرومیت‌های شدید اقتصادی و میزان نرخ بالای بیکاری در مناطق مرزی سبب شده است که زمینه‌های مناسبی برای اشتغال سالم و پایدار ایجاد نشود و ساکنان این مناطق جهت کسب درآمد به فعالیت‌های غیرقانونی و قاچاق کالا، مواد مخدر، اسلحه، سوخت و غیره روی آورند (امیرپور، ایمان طلب و عنایتی، ۱۳۹۱: ۱۴۳).

وجود محرومیت‌های شدید اقتصادی و میزان بالای بیکاری در مناطق مرزی، تأثیر شگرفی در افزایش عبور غیرقانونی انسان و به تبع آن، قاچاق کالا، مواد مخدر، اسلحه، سوخت، دام و

سایر امور دارد که مخل امنیت مرزها محسوب می‌شوند. ساکنان مناطق مرزی اغلب افرادی هستند که زمینه‌های مساعد برای اشتغال سالم را ندارند؛ از این رو برای کسب درآمد به قاچاق و فعالیت‌های غیرقانونی روی می‌آورند. در این بین، سودآوری بالای قاچاق کالا از مهم‌ترین دلایل گرایش به این امر است. این سود، از تفاوت قیمت‌ها بین بازار داخل با کشورهای هم‌جوار ناشی می‌شود. وضعیت جغرافیایی ایران مهم‌ترین عاملی است که سبب گسترش قاچاق کالا شده است؛ وجود هزاران کیلومتر راه آبی و خاکی در مرزها و نیز هم‌جواری با کشورهای بی‌ثبات باعث شده سرمایه‌گذاری مولد در مناطق مرزی دچار کاهش شود و همچنین موجب عدم رونق بازارچه‌های مشترک مرزی نیز شده است (ابراهیم‌زاده آسمین و عباسیان، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

براساس نظریه آنومی دورکیم و مرتن،^۱ محرومیت در رسیدن به اهداف یا وسایل دستیابی به آنها باعث ایجاد سرخوردگی و تعارض می‌شود. مناسباتی که در آن افراد به امکانات و اهداف دست پیدا نکنند، تعهدشان نسبت به جامعه سست شده و دست به رفتار انحرافی می‌زنند (ازکیا و راهنما، ۱۳۸۷: ۴۰). از دیدگاه توسعه نابرابر نیز علل آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها در جوامع، ریشه در ساختارهای جامعه دارد که این ساختارها بر بنیان مناسبات و روابط حاکم بر جامعه است. در این مناسبات و روابط، جامعه به قطب کانون و پیرامون تقسیم گشته که قطب مرکزی یا کانون با انحصار تکنولوژیک و کنترل مالی و انحصارات بر منابع طبیعی، سلاح‌ها، رسانه‌ها و... از آن بهره‌مند می‌شود و قطب پیرامون از بسیاری از منابع و امکانات موجود در جامعه بی‌بهره می‌ماند. این اکثریت پیرامون ناشی از رشد نابرابر و تقسیم ناعادلانه کار روزبه‌روز فقیرتر و محروم‌تر می‌شوند به طوری که با رو آوردن به قاچاق و اقدام‌های غیرقانونی نیازهای اقتصادی و اجتماعی خویش را فراهم می‌سازند (همان: ۳۹).

۵-۴-۳. حاشیه‌نشینی

اینکه جرائم در مناطق حاشیه‌ای بسیار بیشتر از سایر مناطق اتفاق می‌افتد مورد پذیرش همه است و آمارهای اخذ شده از پرونده‌های مطروحه در دادگستری نیز حکایت از این واقعیت دارد (مصطفایی، ترکی و فرهمند، ۱۳۹۷: ۸۱). حاشیه‌نشینی به عنوان یکی از معضلات شهری و تحت تأثیر قرار دادن امنیت اجتماعی به ویژه فراهم کردن بستر الزم برای ارتکاب جرائم همواره مورد توجه کارشناسان حقوقی، قضایی و جرم‌شناسان بوده است (شریعتی منش، ۱۳۹۵: ۴۲). مراجعه به ادبیات پژوهشی پیرامون رابطه میان حاشیه‌نشینی و جرم، نشان دهنده هم‌پیوندی میان آنهاست (صنعتی شرقی، وحیدی و حمیدی، ۱۳۹۶: ۵۷).

مطالعه نواحی و مناطق حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی که از آن تحت عنوان چالش شهری نام می‌برند، از جمله مباحث و موضوع‌هایی است که در صدر مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جهان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه است. فقر اقتصادی و عدم دسترسی مهاجران به مشاغل متعارف رسمی شهری موجب می‌شود آنان مکان‌هایی را برای زندگی برگزینند که اغلب فاقد هرگونه تسهیلات شهری هستند و عمدتاً غیرقانونی و خارج از ضوابط ساخته می‌شوند. این مناطق بیش از سایر مناطق شهر مخفی‌گاه انواع فعالیت‌های غیرقانونی است و اغلب جرائم در آنجا اتفاق می‌افتد. تحقیقات مختلف نشان دهنده این واقعیت است که مناطق حاشیه‌نشین به دلیل بافت ناهمگون اجتماعی، فرهنگی از جرم‌خیزترین مناطق شهری محسوب می‌شوند (مصطفایی، ترکی و فرهمند، ۱۳۹۷: ۸۳).

حاشیه‌نشینی باعث افزایش میزان جرم و آسیب‌های شهری می‌شود. در محلات حاشیه‌نشین همان قدر که امکان ارتکاب جرم و جنایت در آن زیاد است، به همان اندازه رقم سیاه بزهکاری^۱ در آن موجود است.

1. Dark Number

اعمال خلاف و مجرمانه در مناطق حاشیه‌نشین شهر عبارتند از:

- تغییر کاربردی اراضی،
- تصرف عدوانی،
- فروش مال غیر،
- ساخت‌وسازهای غیرمجاز،
- سرقت و اخفای اموال مسروق،
- اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی،
- نزاع‌های دسته‌جمعی،
- قتل عمد،
- تخریب اموال عمومی،
- مزاحمت و ممانعت از حق،
- اخاذی و تهدید برای کسب مال دیگری،
- خشونت‌های جنسی،
- روسپیگری،
- کودک‌آزاری.

وقوع جرائم یادشده در محیط‌های حاشیه‌نشین متأثر از مسائل درونی و بیرونی، نه‌تنها با اصول مسلم نظم اجتماعی تعارض دارد، بلکه موجب کاهش کیفیت زندگی در شهرها (پوراحمد، مهدیان و بهنمیری، ۱۳۹۲: ۲) در وهله نخست و ناپایداری امنیتی جوامع در درجه دوم خواهد شد.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

زمانی که بی‌عدالتی فضایی ناشی از عوامل ارادی و غیرارادی زمینه قطبی شدن فضا و به‌انزوا رفتن برخی از شهروندان را فراهم می‌کند، ناتوانی در مشارکت اثربخش در حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و منفصل شدن و فاصله گرفتن از جریان اصلی جامعه را در پی خواهد داشت و موجب توالی محرومیت اجتماعی می‌شود. نادیده گرفتن و غفلت از شناخت و عدم اهتمام به کنترل و انزوای اجتماعی زمینه‌ساز جدایی گروه‌های محروم از داشته‌های اجتماعی و دور ماندن آنها از مزایا، فرصت‌ها و قدرت است. امری که خود قبل از هر چیز دشمن آزادی و عدالت است. این امر باعث می‌شود گروه‌های فرورخوردار که در نواحی متراکم‌تر شهر زندگی می‌کنند در برخورد با جریان اصلی اجتماع به‌عنوان نیروی مختل‌کننده فرایند توسعه پایدار شهر شناخته شوند. به طوری که گروه‌های خشونت‌طلب و نیز معارض در پرتو چنین شرایطی رشد می‌یابند. امنیت و توسعه متوازن و عادلانه رابطه‌ای متقابل دارند، از یک سو امنیت به‌عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه عمل می‌کند و از طرف دیگر یکی از پیامدهای اصلی توسعه عادلانه می‌تواند شکل‌گیری امنیت در ابعاد مختلف باشد. نابرابری در توسعه مناطق و استان‌های کشور می‌تواند تداوم شکاف و گسست بین مناطق در زمینه‌های مختلف اجتماعی، جغرافیایی، اقتصادی و طبقاتی را به دنبال داشته باشد. این نابرابری‌ها همچنین می‌تواند در صورت تداوم و تشدید، شکاف و گسست سیاسی را به دنبال داشته و امنیت ملی را با تهدید مواجه سازد.

خشونت نرم‌ا‌عمالی از جانب مدیریت سیاسی فضا در حق گروه‌های فرورخوردار و کم‌برخوردار موجب ایجاد و افزایش شکاف اجتماعی و گسل‌های فضایی در بخشی از جامعه می‌شود که پیامد قطعی آن سازماندهی بازندگان و اقدام‌های خشونت‌آمیز (خشونت سخت) در قالب ناهنجاری‌های اجتماعی و بزهکاری‌های آزاردهنده در جامعه خواهد شد. مشارکت اجتماعی، جذب و حضور در بطن جریان اصلی اجتماع حق مسلم شهروندان در جهان معاصر

بوده و ایجاد گسل‌های فضایی و انزوای اجتماعی مصداق خشونت نرم و تجاوز به حقوق مدنی و منافع غیرقابل کتمان شهروندان تلقی می‌شود. نمود عینی پیامد تداوم بی‌عدالتی فضایی در صورت ادامه کلان روندهای جاری را می‌توان به شرح ذیل دسته‌بندی کرد:

■ تداوم و افزایش مهاجرت از مناطق عقب‌مانده و کمتر توسعه‌یافته به مناطق پیشرو و برخوردار کشور،

■ بی‌تعادلی در استقرار جمعیت در پهنه سرزمینی و به‌ویژه خالی شدن مناطق مرزی از جمعیت،

■ شکل‌گیری پدیده اُترتراکم جمعیتی در مناطق برخوردار و توسعه‌یافته کشور و در نتیجه افزایش رفت و آمد و ترافیک و انواع آلودگی،

■ تداوم شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین در کنار شهرهای بزرگ و تشدید شکاف اجتماعی،

■ افزایش خطرپذیری مراکز زیست و فعالیت به دلیل تمرکز و تراکم بیش از حد فعالیت‌ها،

■ افزایش نیاز به استفاده از منابع زیست‌محیطی (به‌ویژه منابع آبی) در مناطق توسعه‌یافته و پیشرو کشور و در نتیجه افزایش تنش بین مناطق مختلف کشور در خصوص بهره‌برداری از منابع زیست‌محیطی،

■ تداوم چرخه بازتولید و تشدید ناموزونی و عدم تعادل‌های درون‌استانی و مناطق و روند فزاینده تمرکز تولید، فعالیت و جمعیت در مراکز استان و در نتیجه افزایش نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی،

■ شکنندگی، آسیب‌پذیری و ناپایداری اقتصاد ملی به دلیل تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در مناطق خاص،

■ تقویت جریان‌ات واگرا و افزایش واگرایی‌های سیاسی در مناطق دارای هویت‌های

مشخص قومی، زبانی و مذهبی به ویژه در مناطق حاشیه و مرزی کشور.

متناسب با شرایط کشور، راهکارهای پیشنهادی به شرح ذیل در راستای کاهش تأثیر بنیان‌های بی‌عدالتی فضایی و دستیابی به عدالت فضایی به عنوان یکی از محرک‌های اصلی امنیت و پایداری جوامع، ارائه می‌شود:

■ توجه به رویکردهای نوین امنیت به ویژه امنیت مشارکتی به عنوان مفصل امنیت فردی و ملی،

■ تلاش در راستای ادراک عدالت و بی‌عدالتی فضایی در کشور و تأثیرات ضدامنیتی آن،

■ شناخت آثار نابرابری در توزیع مزایا و منابع، قدرت، ثروت و فرصت،

■ شناسایی مناطق مستعد مخاطرات ناشی از نابرابری‌های نهادینه شده و اولویت‌بندی

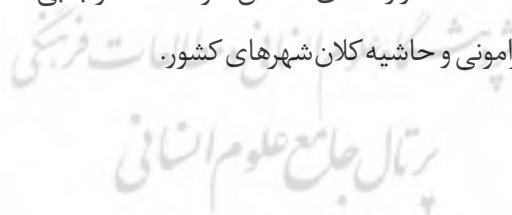
آنها،

■ ادراک انزواگزینی ناشی از بی‌عدالتی فضایی و خطوط گسل جامعه در راستای مدیریت

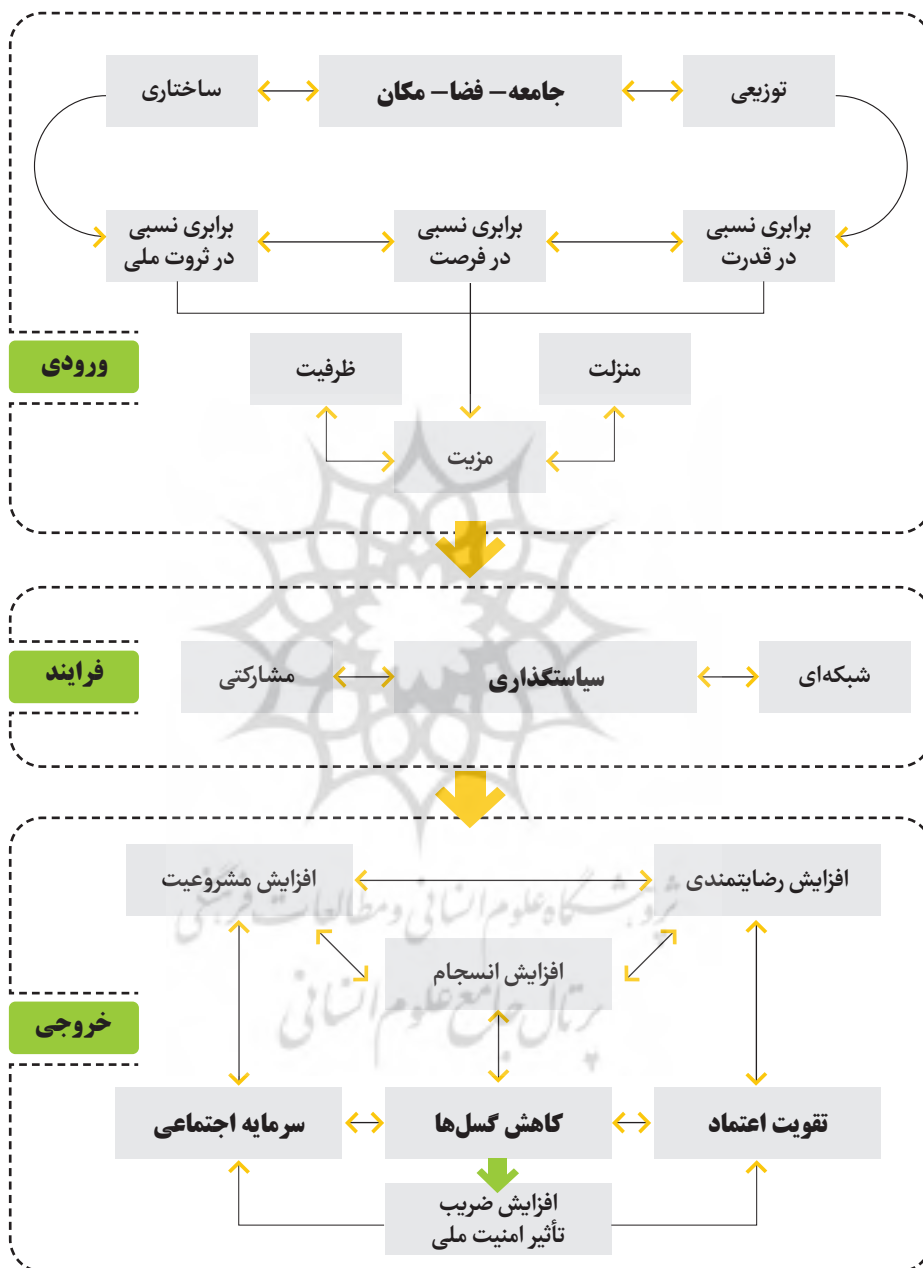
منابع و ارتقای شاخص‌های کارآمدی بهتر،

■ هماهنگی مستمر و منظم با مدیران ملی، منطقه‌ای و محلی در راستای تدوین

دستورالعمل‌های هماهنگ در راستای کاهش اثرات نامطلوب بی‌عدالتی فضایی در کشور به ویژه در مناطق پیرامونی و حاشیه کلان‌شهرهای کشور.



شکل ۴. مدل مفهومی عدالت فضایی زیربنای امنیت



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در راستای تشریح مدل مفهومی فوق می توان بیان داشت که تداوم امنیت در بستری پایدار و پویا؛ به توجه جامع در مخاطرات نیاز است و نباید بدون توجه به ریشه ها انتظار برطرف شدن معضلات فرابخشی را داشت. بدین منظور باید در رویکردی سیستماتیک و توجه به اصل تولیدی بودن فضای زیست در یک چارچوب تئوریک انتقادی در جهت برطرف کردن پیشراندهای مولد بی عدالتی فضایی و تبعات منفی ناشی از آن در جوامع بود. گفتنی است امنیت پایدار امنیتی است که موجد ویژگی های عدالت با تأکید ویژه بر ابعاد توزیعی ساختاری آن به صورت توأمان است. در این صورت سه گانه ثروت، فرصت و قدرت با توجه به ظرفیت، منزلت و مزیت در ابعاد فضایی (اجتماعی و مکانی) ضرورت های دستیابی به عدالت است؛ زیرا عدالت، مبنای تولید رضایت و مشروعیت می شود و با کاهش شکاف های طبقاتی انسجام فضایی- اجتماعی افزایش پیدا می کند. افزایش انسجام به تقویت اعتماد بین مردم و حکومت و در یک کلام تقویت سرمایه اجتماعی منجر می شود. به هر میزان سرمایه اجتماعی در جوامع تقویت شود توانایی سیستم برای مدیریت عناصر مخرب در سطح فردی و گروهی نیز افزایش پیدا می کند، ارتقای امنیت اجتماعی و افزایش ضریب تأثیر امنیت ملی فراهم کننده امنیت شبکه ای و مشارکتی است.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آقابخشی، علی‌اکبر و مینو افشارراد (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار.
۳. ابراهیم‌زاده آسمین، حسین و مجتبی عباسیان (۱۳۸۹). «بررسی عوامل و دلایل قاچاق در استان سیستان و بلوچستان و راهکارهای رفع آن»، توسعه انسانی پلیس، دوره ۷، ش ۳۱.
۴. احمدی، حمید (۱۳۷۹). قومیت و قومگرایی در ایران، چاپ دوم، تهران، نشر نی.
۵. احمدیوسفی، کوروش، ابوذری پایدار و جلال میرزایی (۱۳۹۳). «بررسی نقش معتمدین در تأمین امنیت پایدار جنوب کرمان»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال دوم، ش ۶.
۶. ازکیا، مصطفی و یوسف راهنما (۱۳۸۷). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر قاچاق سوخت»، پژوهشنامه علوم اجتماعی آزاد، سال دوم، ش ۲.
۷. اسماعیلی، مصطفی و غلامرضا خواجه‌سروی (۱۳۹۶). «بررسی مفهوم امنیت در سیره معصومین (ع) (مطالعه موردی: تحلیل محتوای کتاب اصول کافی)»، فصلنامه آفاق امنیت، سال دهم، ش ۳۴.
۸. اعظمی، هادی و جهانگیر حیدری (۱۳۹۴). «مدل‌سازی نشانگان سیاست‌های همگرا و واگرای قومی در ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال یازدهم، ش ۱.
۹. امیریپور، مهناز، ایمان طلب‌پریوش و سعیده عنایتی (۱۳۹۱). «عوامل مؤثر بر قاچاق در شهرهای مرزی (انسان، اشیاء و کالا)»، مجموعه مقالات همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۱۰. پوراحمد، احمد، مهدی علی‌مهدیان و معصومه بهنمیری (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل تأثیر حاشیه‌نشینی در وقوع جرم و ناامنی (مطالعه موردی: محله شیخ‌آباد شهر قم)»، کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد، دانشگاه فردوسی.
۱۱. پورموسوی، سیدموسی، فرضعلی سالاری سردری، سیددانا علیزاده، مریم بیرانوندزاده و مصطفی شاهینی‌فر (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر ساختار فیزیکی کالبدی فضاهای شهری بر امنیت محیطی (مطالعه موردی: منطقه ثامن شهر مشهد)»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۳.
۱۲. حافظ‌نیا، محمدرضا، مصطفی قادری حاجت، زهرا احمدی‌پور، عبدالرضا رکن‌الدین و محمد گوهری (۱۳۹۴). «طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی، (مطالعه موردی: ایران)»، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۹ (۱).

۱۳. حافظ نیا، محمدرضا و مصطفی قادری حاجت (۱۳۹۳). «بی عدالتی فضایی و مخاطرات انسانی (مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان)»، مدیریت مخاطرات محیطی، ۱(۲).
۱۴. حسینی غیاثوند، ابوالفضل و حسین کربلایی ذبیحی (۱۳۹۵). «ارائه مدل تحلیلی به منظور پیشگیری از وقوع جرم سرقت از ساختمان های مسکونی با توجه به رویکرد پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی CPTED (مطالعه موردی: منطقه ۱ شهرداری قزوین)»، مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۴۷.
۱۵. خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۸/۱/۸). «فقر مالی و فرهنگی مهم ترین ویژگی تروریست های خارجی خاورمیانه»، کد خبر: ۸۳۲۵۷۹۸۷.
۱۶. خوشفر، غلامرضا (۱۳۸۰). «بررسی میزان احساس امنیت و چگونگی مشارکت مردم در برقراری امنیت»، فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۱۶۴-۱۶۳.
۱۷. دلاور، علی و علی محمد احمدوند (۱۳۸۷). «ویژگی های روان سنجی مقیاس احساس امنیت تهران»، ماهنامه دانشور رفتار، ش ۲۸.
۱۸. راغفر، حسین، فریبا خوشدست و محدثه یزدان پناه (۱۳۹۱). «اندازه گیری نابرابری درآمد از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۸»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، ش ۴۵.
۱۹. رضایی، مهدی و حمید بالایی (۱۳۹۵). «امنیت و حقوق شهروندی: تقدم یا تأخر»، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، ش ۳۰.
۲۰. سلیمی سبحان، محمدرضا (۱۳۹۳). «امنیت و توسعه پایدار گردشگری شهر تهران»، پژوهشنامه جغرافیایی/انتظامی، سال دوم، ش ۸.
۲۱. شریعتی منش، محمدرضا (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر حاشیه نشینی بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان شهر جهرم در سال ۱۳۹۴»، دوفصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی، ۱(۲).
۲۲. شریفی طرازکوهی، حسین و جواد مصطفی لو (۱۳۹۵). «مبانی هنجاری دکتترین امنیت انسانی»، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، ش ۳۳.
۲۳. صادقی زاده، سلمان و سید عبدالامیر نبوی (۱۳۹۷). «امنیت در ساحت عدالت اجتماعی؛ از فرایندها تا برآیندها تأملی در کتاب عدالت و امنیت ملی»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، سال هجدهم، ش ۶.
۲۴. صالحی امیری، سیدرضا و افسر افشاری نادری (۱۳۹۰). «مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، ش ۵۹.

۲۵. صنعتی شرقی، نادر، روح‌اله وحیدی و سهیل حمیدی (۱۳۹۶). «تحلیل ساختاری رابطه میان حاشیه‌نشینی و جرم»، فصلنامه پژوهش‌های نظم/اجتماعی، دوره ۹، ش ۳.
۲۶. طهماسبی، فردین، خلیل میرزایی و فریدون کامران (۱۳۹۱). «عوامل اجتماعی، مؤثر بر احساس نابرابری‌های اجتماعی و پیامدهای آنها در شهر تهران»، فصلنامه پژوهش/اجتماعی، سال چهارم، ش ۱۴.
۲۷. عزیزی، پروانه و رزا آذرکمند (۱۳۹۰). «بررسی عوامل واگرایی قوم بلوچ و تأثیر آن بر امنیت کشور»، دانشنامه علوم سیاسی، ش ۸۰.
۲۸. قادری حاجت، مصطفی و زکیه آفتابی (۱۳۹۸). «تحلیل فقر از منظر عدالت فضایی (مطالعه موردی: استان‌های شمالی ایران)»، فصلنامه جغرافیا و توسعه، دوره ۱۷، ش ۵۷.
۲۹. قادری حاجت، مصطفی و محمدرضا حافظ‌نیا (۱۳۹۷). «راهکارهای دستیابی به عدالت فضایی در ایران»، پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ۳ (۹).
۳۰. قلانی، نسرین، اسماعیل جهانبخش و اصغر محمدی (۱۳۹۷). «تحلیل مضمون فرایند سازگاری میان فرهنگی مهاجرین افغانستانی بر ارتقای امنیت ملی در راستای تشکیل امت‌واحد»، فصلنامه آفاق/امنیت، سال یازدهم، ش ۴۰.
۳۱. کارگر، بهمن (۱۳۸۳). امنیت شهری، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۳۲. کاویانی راد، مراد (۱۳۸۶). «ناحیه‌گرایی سیاسی در ایران (مطالعه موردی: بلوچستان)»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، ش ۱، شماره مسلسل ۳۵.
۳۳. کینگ، گری، کریستوفر موری و مرتضی بحرانی (۱۳۸۳). «بازاندیشی در امنیت انسانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، ش ۲۶.
۳۴. گودرزی، سعید، علی ربیعی، محمد جواد زاهدی مازندرانی و اسداله نقدی (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر نابرابری‌های منطقه‌ای بر امنیت عینی استان‌های کشور»، فصلنامه علمی مطالعات/اجتماعی، سال هفتم، ش ۴۵.
۳۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
۳۶. ماندل، رابرت (۱۳۷۹). چهره متغیر/امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۷. _____ (۱۳۸۷). چهره متغیر/امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ سوم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۸. محمدی یگانه، بهروز، مهدی چراغی و زهرا یزدانی (۱۳۹۳). «تحلیل عوامل مؤثر بر توزیع فضایی فقر در نواحی

- روستایی با تأکید بر ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی»، *جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای*، ش ۱۳.
۳۹. محمدی، حمیدرضا، ابراهیم رومینا، ندیمه سلیم نژاد (۱۳۸۷). «تحلیل جغرافیایی منابع تهدید ملی در ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، ش ۲.
۴۰. محمدی، حمیدرضا و محمد غنجدی (۱۳۸۵). «چالش‌های ژئوپلیتیکی مواد مخدر در جنوب غرب آسیا (با تأکید بر ایران، پاکستان و افغانستان)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، ش ۲.
۴۱. مصطفایی، یحیی، فرزاد ترکی و مریم فرهمند (۱۳۹۷). «بررسی رابطه حاشیه‌نشینی و جرم در شهر کرمانشاه (مطالعه موردی: جعفرآباد کرمانشاه)»، فصلنامه علمی *پیشگیری/از جرم*، ش ۴۹.
۴۲. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۸). *منیت/اجتماعی*، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴۳. یعقوبی، جعفر، ابوالفضل رنجور و زهرا خشنودی فر (۱۳۹۲). «تحلیل مؤلفه‌های پیش‌برنده در اجرای موفقیت‌آمیز طرح بهسازی و نوسازی مسکن روستایی شهرستان خدابنده»، *مجله جغرافیا و توسعه*، ش ۳۲.

44. Andrew, C. (1986). *Her Majesties Secret Service: The Making of the British Intelligence Community*, Viking Adult.
45. Appadurai, Arjun (2004). "The Capacity to Aspire: Culture and the Terms of Recognition", in Rao, Vijayendra; Walton, Michael, *Culture and Public Action*, Stanford, CA: Stanford University Press.
46. Chakravarti, Dipankar (2006). "Voices Unheard: The Psychology of Consumption in Poverty and Development", *Journal of Consumer Psychology*, 16 (4).
47. Lees, N. (2010). "Inequality as an Obstacle to World Political Community and Global Social Justice", Oxford University, Paper to be Presented at the SGIR 7th Annual Conference on International Relations, Sweden.